

متن پرسش

سلام استاد بزرگوار: متن سخنرانی استاد پناهیان که در آن تلویحا رهبری عظیم الشان را سید خراسانی نامیدند. البته این سخنرانی مربوط به شب ۲۲ بهمن سال ۸۸ یعنی سال فتنه است و یک پیش بینی هایی هم هست سخنرانی استاد پناهیان در شب ۲۲ بهمن ۸۸ بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين ثم الصلوه و السلام على [سیدنا و حبیبنا ابی القاسم المصطفی محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین سیما الحجه بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفدا اعوذ بالله من الشیطان الرجیم رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی در شب پیروزی انقلاب اسلامی که شب بسیار پرمعنویتی است برای ما بیجاست اگر درباره موضوع دیگری گفتگو کنیم. به طور صریح و مستقیم به بحث پیرامون انقلاب بپردازیم که البته از مباحث بسیار مهم و شیرینی میتونه باشه که دل های ما رو و اندیشه های ما رو نورانی می کنه. اولاً انقلاب اسلامی ما با رهبری حضرت امام چیزی است که توسط ائمه هدی (علیهم السلام) پیش بینی شده. در حداقل دو روایت از روایت هایی که از امام باقر (ع) و شاید دیگر امامان نقل شده است، تصریح فرموده اند که مردی از قم قیام خواهد کرد؛ نام او نام یکی از انبیای عظام است. می دونید حضرت امام اسمشون روح الله بود و روح الله هم اسم حضرت عیسی بن مریم هم هست. او وقتی به حق قیام می کنه آنچه می طلبد به او نمی دهند و با او مقابله می کنند. او دوباره قیام می کنه و اینبار برای گرفتن حق موفق میشه. درباره یاران او، درباره قیام او تحسین های فراوانی از سوی ائمه هدی (ع) ذکر شده. در روایت دیگری آمده است که مردی از قم، قیام می کند که نام او روح الله است. به طور مشخص نام حضرت امام رو می برند و مشخصات انقلاب رو از خرداد ۴۲ تا پیروزی انقلاب رو بیان می فرمایند. انقلاب ما چیزی نیست که از مد نظر اولیا خدا و اوصیای پیامبر گرامی اسلام دور مانده باشه. درباره مقدمات انقلاب ما هم باز روایاتی از آخرالزمان هست. من به اون روایات هم اشاره کنم، روایات خوبی هستند. می فرمایند وقتی زمانه ظهور نزدیک میشه در آخرالزمان حوزه علمیه (به تعبیر ما حوزه علمیه)؛ مرکز نشر معارف اهل بیت از نجف اشرف به قم منتقل میشه و قم مرکز توزیع و نشر معارف اهل بیت به همه جهان خواهد شد. دقت می فرمایید؟ با آمدن حضرت امام از نجف اشرف به قم و حوادثی که در عراق رخ داد مثل ظهور صدام و جنایت های او که در روایات ظاهرا اونجوری که بررسی کردند از صدام به سفیانی اول نام بردند و میشه تطبیقش داد به سفیانی اول که وقتی از امام صادق (ع) درباره سفیانی پرسیدند، سفیانی کسی است که قبل از ظهور قیام می کنه و به شیعه کشی اقدام می کنه، حضرت می فرمایند که سفیانی اول رو میگی یا سفیانی دوم؟ بعد می پرسن که مگه سفیانی دوتا هست؟ بعد توضیح

میدن ویژگی های سفیانی اول رو که برمی شمردند، برخی از محققین ظاهرا (این کلمه ظاهرا بنده رو نگه دارید برای اینکه جدل صورت نگیره) ظاهرا به صدام تطبیقش می کنند. انشاءالله که مقدمات ظهور رخ بده و اگر قطعا بناست سفیانی قبل از ظهور جنایت هایی انجام بده ما جنایت های او رو دوست نداریم ولی فراهم آمدن مقدمات ظهور رو تمنا داریم. با وجود صدام و مشکلاتی که در عراق پیش آمد و با توجه به رونقی که حوزه علمیه قم گرفته بود کم کم، و با انقلاب اسلامی ایران این رونق فراوان تر شد، این حدیث محقق شد که محل نشر معارف دینی از نجف اشرف به قم منتقل می شود. البته اهل بیت عصمت و طهارت اون زمان معمولا از نجف به کوفه یاد می کردند که در جوار همدیگه هستند این دو شهر. خب. بعد تو این روایت می فرمایند که مرکز نشر معارف اهل بیت به همه جهان خواهد شد. شما بعد از انقلاب آماری بیش از ۲۰۰۰۰ طلبه از سراسر عالم در قم طلبه دارید که درس می خونند و برمیگردن. الان برخی از رئیس جمهور ها، سیاست مدارها، وزرا، مدیرکل ها تو بسیاری از کشورهای جهان، بی سر و صدا از (بسیاری یعنی تعداد قابل توجه نه اکثر) بی سر و صدا از طلبه هایی هستند که تو قم درس خوندد. حتی ما رئیس جمهور داریم، که بگذریم. بعد در روایت این نکته اش جالبه. می فرماید قم به همین وضعیت باقی خواهد ماند تا ظهور حضرت. این هم از مقدمه انقلاب که قوت حوزه علمیه است. حضرت امام در واقع با پایگاهی مثل حوزه علمیه این قیام رو سازماندهی کرد و در این هیچ تردیدی نیست. البته دانشگاهیان هم نقش خودشون رو به خوبی ایفا کردند در اونجایی که باید تبعیت می کردند و نقش خودشون رو ایفا می کردند. این نشون میده که انقلاب ما که برآمده از حوزه است یکی از اساتید حوزه، یکی از مراجع حوزه به نام حضرت امام (ره) با یارانشون که شاگردانشون در همین حوزه بودند این انقلاب رو سازماندهی کردند، باز خبر دیگه معنوی ای از اوصیای خدا درباره اش صادر شده. خاطرات زیادی هست وقتی آقا سید روح الله بزرگ در دوران جوانی به سر می بردند مثلا فلان استاد بزرگ در قم وقتی ایشان رو می بینند، درسشون رو قطع می کنند و تمام قامت مقابل ایشان بلند میشن. بعد از درسش اون رو صدا میزنن و بهشون می فرمایند که آیا تو میدونی در آینده چه نقشی خواهی داشت؟ ایشان سرشون رو پایین می اندازند. از اینجور اخبار زیاده. ولی من میخوام از یکی از تحلیل های خود حضرت امام درباره ۲۲ بهمن، درباره ی انقلابمون در واقع استفاده بکنم که یک تحلیل عرفانی برای یک خبر معنوی است درباره انقلابمون در صدر اسلام. انقلاب ما یک اتفاق اجتماعی-سیاسی صرفی که صرفا وابسته باشه به حوادث قبل از انقلاب و بحث استبداد و نمی دونم تحول اجتماعی، محدود نمیشه به این مفاهیم. انقلاب ما ریشه در معنویت ۱۴۰۰ ساله ی تشیع داره. من حالا کم کم تحلیل ها و نکاتی رو درباره انقلاب عزیزمون به شما عرض خواهم کرد. اونوقت شمایی که با حسین (ع) عشقبازی می کنید، با امام زمان (ع) عشقبازی می کنید و روح شما رو اولیای خدا تسخیر کردند، اونوقت باید ببینید که این انقلاب چگونه پیراهن همان یوسف است که بوی این پیراهن از فرسنگ ها مشام جان شما رو باید تازه بکنه و اگر این پیراهن رو به صورت بکشیم، چقدر باید بصیرت پیدا بکنیم. مانند حضرت یعقوب که پیراهن حضرت

یوسف رو به صورتش انداخت بینا شد. واقعا این انقلاب برای بعضی ها محل عشق‌بازی با خدا و اولیای خداست. چرا بعضی ها خیلی انقلابی اند؟ خیلی درد انقلاب تو سینه شونه؟ خیلی یاد انقلاب می افتند و خودشون رو در متن این انقلاب کماکان می بینند، شوریده حال میشوند؟ عاشقانه اشک می ریزند؟ اینا خیلی آدمای سیاسی ان؟ سیاست و دیانت ما یکیه. اینا خیلی آدمای عارفی اند. این انقلاب رو میشه عاشقش شد. حضرت امام فرمود انقلاب ما انفجار نور بود. نور! نه نور چراغ. نور ژنراتورهای برق. نور! نور معنویت. حضرت امام تحلیلی دارند درباره انقلاب. می فرمایند که... من خودم از حضرت امام شنیدم، در صحیفه نور هم مراجعه بکنید هست. می دونید عرفا اهل اشاره هستن. در میان عرفا حضرت امام بسیار تیزبین و بسیار هوشمندانه اشارات خود رو بیان می کردند. و باید اشاره امام رو بگیرید اما اینقدر صراحت دیگه چقدر به انسان اطمینان و قوت قلب میده، بماند. می فرمایند که هنگام تولد پیامبر اکرم، در این خطه، در این سرزمین، یعنی در سرزمین ایران ۱۴ کنگره کاخ کسری فرو ریخت. بعد حضرت امام می فرماید: این شاید معنایش آن باشد که شب تولد پیامبر، خدا به پیامبر اکرم مژده می دهد؛ بعد از ۱۴ قرن در این خطه حکومتی نبوی، حکومتی اسلامی و علوی برقرار خواهد شد. یعنی شب جشن تولد پیامبر اکرم، که خدا جشن میگیره در عالم و اتفاق هایی در عالم میفته، از کاخ کسری ۱۴ کنگره فرو میریزه. این عدد ۱۴ معنا داره. پیغامش این انقلابه. شب تولد پیغمبر اکرمه. هنوز مبعوث نشده به رسالت. تولد انقلاب ما وعده اش داده میشه. در روایت دیگری آمده است که قومی قبل از ظهور آقا امام زمان (ع) قیام می کنند، یُؤْطَوْنَ لِلْمَهْدِي سُلْطَانَه. مقدمه ظهور آقا امام زمان (ع) رو فراهم می کنند. بارها حضرت امام به زبان صریح و ساده این روایت رو ترجمه کردند. در کلمات حضرت امام هست که انقلاب ما انشاءالله مقدمه ظهور حضرت است. انقلاب ما انشاءالله مقدمه فرج است و ما به امید امام زنده ایم که به ما داده است این امید را و فرموده است که ما انشاءالله با این انقلاب پرچم رو به دست صاحب اصلی آن خواهیم رساند. همینجا یک نکته ای در حاشیه عرض کنم. یکی از شاگردان حضرت امام که کتاب های حضرت امام رو اکثرا ایشون تنظیم کردند و تدوین کردند و ترجمه کردند. اون کتاب هایی که به زبان عربی خصوصا بوده. کسی از ایشون نقل می فرمودند برای بنده که وقتی امام از دنیا رفت ما خیلی پریشان بودیم. از ایشون پرسیدیم که شما چرا بهم نریختید؟ آرامش دارید؟ ایشون می فرماید که امام به ما گفته بود که من نمی مانم که پرچم رو به دست صاحب اصلی برسانم و من از دنیا خواهم رفت اما این انقلاب خواهد رسید. من از این آقا پرسیدم که شما از شاگرد امام پرسیدید که امام بفرماید چقدر بعد از رحلت او این پرچم به دست صاحب اصلیش خواهد رسید؟ ایشون فرمودند بله، من پرسیدم و ایشون هم پاسخ گفتند ولی بنده رو ممنوع کردند از اینکه این پاسخ رو به صورت عمومی بیان بکنم البته به خاطر یه سری ملاحظات هم ما این رو بیان نمی کنیم اما فرج نزدیک است. کسی میخواد آماده بشه یا علی! انقلاب ما یک انقلاب شکست ناپذیر است به دلیل روایات. من نمی خوام به بقیه روایات مراجعه کنم. از بحث درباره سید خراسانی تا بحث درباره شعیب بن صالح. این دویی که با حضرت پیمان می بندند و به

حضرت خدمت می کنند و اداره می کنند مملکت ما رو هنگام ظهور که پادگان سربازان حضرت است، بگذارید در اینباره صحبت نکنم. اما اگه کسی میخواد برای فرج آماده بشه، بعدا نگه که کسی به ما نگفته بود. آماده بشید. آقا ما گفتیم فرج کیه؟ نگفتیم که! وقت تعیین کردیم؟ بله؟ نخیر! بعضیا میگن همین مقدارش هم نگو. میگیم پس این همه روایات و علائم ظهور رو گفته اند که نخوانیم؟ گفته اند که نبینیم؟ گفته اند که نشنویم؟ گفته اند که نگوییم؟ این خیلی با عقل جور درنمیاد. ما دیشب در مورد عقل داشتیم صحبت می کردیم. همیشه که. اینا رو فرمودن که ما هشیار بشیم. بعضیا هم خیلی بی مزه ان. میگن حالا علائم ظهور هست. ممکنه بعضیاش هم باشه. اما ممکنه دویست هزار سال دیگه رخ نده ظهور. خب آدم حرف معقول بزنه. مجبوره مبالغه بکنه الکی؟ زیاده گویی بکنه؟ دویست هزار سال دیگه؟ به حدی که، شما در روایات به حدی دقت می بینید در بیان علائم ظهور که گاهی از اوقات برای اینکه مردم اشتباه نکنند در آینده می فرمایند این حادثه شبیه فلان حادثه است. اون نه ها، این یکی! همیشه که صدتا مصداق برای یه حادثه پیش بیاد. بعد این چه علامتی میشه؟ ما یه علامتی گفتیم. مثلا روزی که ظهور می شود، صبح آفتاب طلوع می کند. خب هر روز صبح آفتاب طلوع می کند. چه علامتی شد؟ آدم عاقل که اینجوری علامت نمیده. اونم ائمه هدی (ع) علامتی بدن که تطبیق پیدا بکنه به یه شرایطی که آدم می بینه خب. بعد آدم بگه که نه، حالا ممکنه یکی دیگه باشه. اینجوری که همیشه حرف زد. خب از نظر معنوی اخبار زیادی درباره ی انقلاب ما، درباره ی مقدمه سازی برای ظهور حضرت هست که من یکی دیگه از اونها رو اشاره می کنم. ایران پادگان سربازان حضرت. همین شهر شما، یکی از شهرهاییست که سربازان خوبی به حضرت تحویل خواهد داد انشاءالله. دلیلشم همین شهدایی که در این انقلاب بودند و شخصیت هایی که در این انقلاب به ظهور و بروز رسیدند و فرزندان خاک شما بودند. مثل ابوترابی عزیزی که مجلس، همین ایام به یاد این عزیز بزرگوار و پدر بزرگوارشون برقرار هست و ما ارادتمند این خاندانیم. خب، در روایات داره که پیامبر گرامی اسلام دست رو زانوی سلمان فارسی زد، فرمود؛ اکثر یاران مهدی من همشهری های، هم ولایتی های سلمان فارسی خواهند بود. در این باره روایات متعدده. آقاییون! هنگام ظهور، ظلم فراوان میشه در عالم ولی فقط اینو نبینید. یه گروهی هم قیام به حق می کنند. اگر در همه عالم ظلم فراوان میشه که می بینید داره میشه، یه گروهی هم قیام به حق می کنند. یه گروهی هم مقدمه سازی می کنند و به تعبیر حضرت امام و به تحلیل دقیقی که همه تحلیلگران روایات و مطالعه کنندگان عصر ظهور، این انقلاب ما همان مقدمه ظهور حضرت است. لذا کسی به خیال خودش، شکست این انقلاب رو راه نده. این تا اینجا، مقدمه سخن. حالا انقلاب ما، انقلاب چی بود؟ انقلاب ما تعریفش چی بود؟ انقلاب ما حقیقتش چی بود؟ هر چیزی میتونه یه باطنی داشته باشه، یه ظاهری داشته باشه. کسی عصبانی میشه یه دادی میزنه، ظاهرش اینه که صداش رفته بالا. باطنش اینه که درد میگیره سینه اش. عصبانی شده، روحش آزرده شده. هر چیزی میتونه یه ظاهری داشته باشه، یه باطنی. نماز یه ظاهری داره، یه باطنی. انقلاب هم یه ظاهری داره، یه باطنی. حقیقت اصلی انقلاب رو من برای شما؛ دوستان خودم

عرض بکنم. انقلاب ما علیه استبداد بود، علیه رژیم ستمشاهی بود. اما رژیم ستمشاهی با همه ی ستم‌هایی که می‌کرد، نمی‌تونه یه انقلاب اینجوری رو راه بندازه علیه خودش. از ستم شاه ملعون ایران ستمکارتر، شاهان دیگری بودند. کمتر ستمکارتر شاهان دیگری بودند، اما انقلاب اونجا چرا رخ نداد؟ فقر و فلاکت و بدبختی و گرفتاری عامل اصلی انقلاب ما نبود. از ما گرفتارتر و از ما کمتر گرفتارتر در اطراف و اکناف ما زیاد بودند، پس چرا انقلاب نشد؟ ضمن اینکه اگر مردم علیه رژیم ستمشاهی قیام کردند، من به شما عرض بکنم، بسیاری از مردمی که قیام کردند، مردمی نبودند که از گرسنگی بخواهند هلاک بشن. مردم شهرها بودند. بعد از انقلاب هم خیلی‌ها دیدند، جنگ شد و گرسنگی بعضا بیشتر هم شد. بعضیا از عوام هم می‌گفتند بابا بدتر که شد، همه چی کوپنی شد. خب شده دیگه. ولی همه چون می‌دادند برای حفظ همون وضع. معلوم میشه که نان مساله اصلی نبوده. انقلاب ما یک انقلاب صرفا سیاسی به معنای جدید کلمه یعنی دموکراسی خواهی و لیبرال منشی و آزادی خواهی منهای ارزش‌ها نبود. چرا؟ چون این مفهوم خیلی جاها تو دنیا مطرح شده، اما انقلابی نشده. صرفا به خاطر دموکراسی در هر جایی در عالم انقلاب نمیشه. در ایران ما هم... حالا من نمی‌خوام وارد جزئیات تحلیل بشم فقط می‌خوام اشاره کنم، رد بشم از باب تُعَرَّفُ الْأَشْيَا بِأَضْدَادِهَا تا برسیم به اون حقیقتی که اینجا اتفاق افتاد. انقلاب ما به خاطر حفظ ارزش‌های اسلامی هم صرفا نبود. عرق فروشی هست. شاه و دار و دسته اش عرق خوری می‌کردند و هزار هرزگی. مردم متدین ناراحت شدند، انقلاب کردند. نه. این انقلاب ما صرفا اینجوری هم نبود. همین الآن هم خیلی‌ها عرق خوری می‌کنند. حالا پنهان. یعنی ما انقلاب کردیم تا عرق خوری پیدا بشه پنهان؟ اینقدر ارزش انقلاب ما رو میاره پایین؟ به بحث درباره این مسائل نمی‌خوام بپردازم، فقط دارم سرفصل ارائه میدم. نگید شما دلیل نیابوردی. بله. من الان در مقام آوردن دلیل نیستم. در مقام ترسیم و توصیف وضعیت هستم. پس انقلاب ما حقیقتش برمیگرده به چی؟ رفقا! انقلاب ما حقیقتش برمیگرده به چی؟ من متاسفم که کمتر از این حرف یاد میشه. انقلاب ما از ریشه اش که شروع بکنیم که ۱۵ خرداد ۴۲ هست، که ۱۵ خرداد ۴۲ رو حضرت امام فرمود من تا ابد عزای عمومی اعلام می‌کنم. برای هیچ اتفاقی امام اینجوری نگفت. آرزو می‌کرد ایکاش با شهدای ۱۵ خرداد به شهادت می‌رسید و آخر خودش هم "انتظار فرج از نیمه خرداد کشم" گفت و نیمه خرداد رحلت فرمودند. قریب به نیمه خرداد. انقلاب ما حقیقتش یه چیزی بود. به نیمه خرداد ۴۲ که برمی‌گردیم، این بود که مردم برای ولایت می‌خواستند جان بدهند. ممکنه این معنا رو همه نفهمند. همه متوجه نباشند. اما اونهایی که می‌تونند یک جنبش رو ارزیابی کنند که در جامعه یک جنبش و حرکتی که به ثمر می‌نشینه و ریشه عمیق داره و فراگیر میشه و موثر قرار میگیره، چه ساز و کاری داره. لازم نیست همه دقیقا توجیه باشند نسبت به مفهوم ولایت. اما اون یا مرگ یا خمینی که گفتند، گفتند ما نایب امام زمانمون رو می‌خوایم، ندا میداد که اینها ارادت صرف به یک روحانی انقلابی نیست. قصه از این پیچیده تره. انقلاب ما، انقلاب ولایت بود. من یه نمونه‌هایی از این مساله رو به شما بگم. یه دفعه ای امام حکم می‌دادند؛ سربازها در پادگان‌ها بمانند، حرام است.

آقا، این سرباز می گفت من دیگه نمی تونم بمونم. می کشن منو؟ بکشن! زندگیم فلج میشه؟ حکم شرعه! هیچی. میاد خونه. چی شد سربازه؟ امام دستور داد. از بین ۱۰۰ تا سرباز، ۱۰ تا اینجوری بکنن رژیم ساقط شده. یه دفعه ای می فرمودند که کارکنان شرکت نفت، حرام است نفت صادر بکنند. این حکم. این حکم شرعی... حکم توتون تنباکو یادتونه؟ میرزای شیرازی یه دونه حکم داد؟ این حکمه... این همه کارو می کنه. اینجور نیستش که حضرت امام یه سطح شخصیت عارفی باشند (که بودند) بعد ما بگیم که چون عرفانش رو دوست داریم، ناز نفسش بگو چیکار کنیم... چیکار کنیم. بگو چیکار کنیم، همون کارو بکنیم. نه اینجوری نیست. ساده نیست قصه. یه استخون بندی ای داره. گوشت و پوست و مو و قشنگی هم داره. اون حواشی. اون اصل رو بگیر! یه کسی اومده حکم می کنه؛ ارتشی ها حرام است بر مردم آتش بگشایند، آقای ارتشی می گفت من دیگه نمی تونم اسلحه بکشم. اینا یعنی ولایت! یه کسی حکم بکنه؛ حرام، حلال تعیین کنه، میشه ولایت در مسائل اجتماعی. در مسائل اجتماعی! وگرنه همه ما می دونیم توتون و تنباکو حرام نیست. اون موقع فرمود یعنی ولایت اعمال کرد. ولایت هم موضوع جدیدی نیست. بوده همیشه. پس انقلاب ما تجلی ولایت بود. اصل انقلاب ما و حقیقت انقلاب ما نشون دادن ولایت بود. ماها هی سریال می سازیم، میگیم شاه شکنجه می کرد، مردم ریختند تو خیابون، تظاهرات کردند. آخه چرا دروغ میگی؟ این نبود که. این همه شکنجه تو عالم می کنند پس چرا ۲۲ بهمن و انقلابی مثل انقلاب ایران رخ نمیده. حرف بی ربط چرا میزنی؟ اصلی و فرعی رو جدا کنی، می دونی یعنی چی؟ آقا، من به این آقا احترام گذاشتم به خاطر عینکش!!! آقا! یه آدم شایسته... حالا یه عینکی هم داره. عینکش رو گرفتی، خودش رو نگرفتی؟ تو دیگه کی هستی؟ شاه اگر شکنجه هم نمی کرد، امام حکم میداد، نتیجه اش همین بود. منتها خب معمولاً کافران ظلم هم می کنند. ظالمان هم به کفر می رسند. حضرت امام یه روزی فرمودند، دیگه تقیه امروز نیست. هیچکس نباید تقیه کنه. همه مجبور شدند. حتی مراجع اعلامیه بزنن. بعضی ها که تو کسوت مرجعیت بودند ولی ارتباط با ساواک داشتند و بعدا هم معلوم شد وضعشون، دیگه نام نمی برم، جگر آدم خون میشه، اونا هم دیگه اطلاعیه علیه شاه صادر می کردند. چون امام حکم ولایی کرد. حکم ولایی بکنه همه مراجع هم باید تبعیت کنند. همه بلدند این مساله رو. اونا هم باید اعلامیه صادر می کردند. تقیه حرامه. سکوت امروز مقابل شاه حرامه. یالا! این یعنی ولایت. انقلاب ما نتیجه اعمال ولایت، نتیجه تحقق ولایت، نتیجه تجلی ولایت بود بعد از ۱۴۰۰ سال. امیرالمومنین علی (ع) خلافت می کرد، یارانش، خلیشای ولایت علی بن ابیطالب رو قبول نداشتند. می گفتند شما خلیفه ای مثل دیگران. حضرت فرمودند بزرگترین ظلم به من این بود که من رو با دیگران مقایسه کردند. النَّبِيُّ أَعْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ رو قبول نداشتند. مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ به معنای ولایت رو قبول نداشتند. می گفتند یا علی تو رهبر سیاسی ما هستی. باهات بیعت کردیم. سر قرارمون هستیم. پات می جنگیم. تا قرآن بالا رفت گفتند یا علی ما قرآن رو بیش تر از رهبر سیاسی خودمون احترام قائلیم. اونوقت جالبه من به شما بگم؛ مجاهدین خلق که به منافقین مشهور شدند، بلافاصله بعد از انقلاب در

و دیوار تهرانی که بنده حضور داشتم رو پر کرده بودند؛ رئیس جمهور امام خمینی! رئیس جمهور امام خمینی! می گفتیم چی شد؟ این گروه چرا اینجوری میگن؟ حالا اون زمان معلوم نشده بود اینا منافقن و اینقدر ضد انقلابند. اون زمان معلوم نشده بود. اون زمان معلوم نشده بود. فقط امام اینا رو رد کرده بود. امام با هوشمندی ای که داشت اینا رو شناخته بود. می گفتن رئیس جمهور؛ امام خمینی. که چی؟ که بگن بین امام... آخه داشتن قانون اساسی می نوشتند. می گفتند انشاءالله اولین رئیس جمهور ما امام خمینی باشه. ظاهرا این گروه تروریستی که حالا اون زمان معلوم نبود، تروریستی هستن. این گروه مسلح و چریک و انقلابی و اینا که اسم خودشون رو میذاشتن چریک، خیلی موافق حضرت امامند ولی واقعه این بود که می خواستن از همون اول مواظبت بکنند، قانون نوشته میشه یه وقت ولی فقیه نداشته باشیم. رئیس جمهور، دمش گرم. بعدش هم عوضش می کنیم و یه بلایی سرش میاریم. معلوم بود که حساسیت ها کجاست. انقلاب ما تجلی ولایت بود. بیایید بحث رو بکشیم تا الان جلو. بعد از انقلاب چه اتفاقی افتاد؟ ۸ سال دفاع مقدس. ما رو درگیر جنگ کردن. این ۸ سال دفاع مقدس می دونید فلسفه و نتیجه و محور اصلی اش چی شد عملا؟ دشمن حمله کرد برای اینکه ما رو نابود بکنه. ولی نتیجه اش چی شد؟ مهم ترین نتیجه دفاع مقدس رو خدمت سروران خودم عرض بکنم. ایکاش وقت بود. یه وایت برد بود. کلاس، تخته سیاهی، چیزی بود. جوونا هم می نشستن، با هم ۳ ساعت بحث می کردیم استدلالی. گزارشش رو میدم تظن پیدا کنی، خودت برو در موردش تفکر کن. ۸ سال دفاع مقدس و دوران ولایت حضرت امام، دورانی بود که اسمش رو می تونیم بگذاریم تثبیت ولایت. مهم ترین فایده جنگ و دفاع مقدس این بود که همه رفتن در پناه بزرگمردی مثل حضرت امام. حضرت امام جا انداخت مساله ولایت رو. شهدا با خونشون جا انداختند. برید وصیتنامه های شهدا رو بخونید. خواهش می کنم! من از بنیاد شهید و امور ایثارگران تمنا می کنم، یه محقق بگذارند، در وصیتنامه ها که چه عرض بکنم، در نامه ها. من شهادت میدم، ببینید این عرض بنده درست هست یانه؟ فراوان ترین مفهومی که شهدا برش تاکید می کردند، مفهوم ولایت فقیه بود. اصلا رو این حساب رفتند، خون دادند. ولایت حکم نکنه آدم جونش رو چرا از دست بده؟ از جوون های جلسه می پرسم، خواهش می کنم جوون ها به من جواب بدن. آیا شما بهتون میگن دفاع مقدس و شهدا یاد ولایت فقیه می افتید؟ بگید آره یا نه. بله؟ دفاع مقدس خوب معرفی نشده. خوب معرفی نشده. همچنان که میگی دهه فجر، ۲۲ بهمن، یاد ولایت فقیه می افتی؟ من می دونم یاد امام می افتی ولی خیلیا یاد امام می افتند به عنوان یه شخصیت سیاسی. ایشون اگه یه شخصیت سیاسی بود، ولایت نداشت، این انقلاب رو اینجوری می تونست راه بندازه؟ اون حکم شرعی ابزار اصلی دست ایشون بود. ارجاعتون میدم به برخی از کلمات حضرت امام در صحیفه نور. من یه دور صحیفه نور رو با اجازه شما مطالعه کردم. سال ها پیش. توفیق بسیار بزرگی بود. یک دوره معارف عجیبه. لذت بخش هم هست. تنوع هم داره. می تونید این کار رو بکنید. حداقل دو بار یا سه بارش رو یادمه الان برای شما دارم میگم که حضرت امام حکم می نوشتن، می فرمودند من به عنوان نایب امام

زمان، نیابت حضرت ولیعصر، حکم می‌کنم فلان مساله رو حل بکنید. تعارف نداره. مگه تعارف داره؟ راننده نشسته داره اتوبوس رو می‌بره جلو. مسافراش محترمند. هی بگه آقا ببخشین من پشتم به شماست. نه آقا. من رانندگی نمی‌کنم. آقا بشین رانندگیت رو بکن، عزیز من. نه! آخه نمیشه. من باید پشت به شما بشینم. عزیزم. کارت رو بکن، عزیز من. بعضیا ممکنه متکبر باشن، تو اتوبوس نشسته باشن؛ این آقا چرا پشتش رو می‌کنه به ما؟ بابا تو هم دیگه حالت خوب نیست. برو از اتوبوس فعلا پیاده شو. امام وقتی میخواد امامت کنه، دیگه تعارف نداره. ممکنه به تکبر بعضیا بربخوره. خب، بخوره. به جهنم. حکم می‌فرمودند. انقلاب یعنی تجلی ولایت. ۱۰ سال دوران حضرت امام همیشه تثبیت ولایت. ببینید! تثبیت! روز به روز ولایت تثبیت میشه تا میرسه به رحلت حضرت امام و مرحله بعدی. شما می‌بینید. حضرت امام چیزایی که اول انقلاب بهشون تحمیل شده، آخر این دهه همه رو یکی یکی پس میزنند. یکیش همون قصه ی قائم مقامیش بود که فرمود من از اول هم به شما راضی نبودم. از اول راضی نبودم یعنی تحمیل شد. حالا جا افتادی. سالهاست شعار تو رو هم دادن. عکست همه جا هست ولی میذارمت کنار تا همه عالم بفهمن حرف اول رو ولایت میزنه. جنگ گفتیم. حالا صلح تحمیل شده؟ عیبی نداره. جنگ تحمیل شد، صلح هم تحمیل شد. ولی مردم! من جنگ رو تبدیل می‌کنم یک شبه به صلح. هر چند دوستان حضرت امام این رو تحمیل کردند. مردم نظر شما چیه؟ مردم گفتند هر چی شما بگی. یعنی تثبیت ولایت. بعد البته حضرت امام فرمودند الان نپرسید. (اون زمان. در نامه ای نوشتند؛) الان نپرسید من چرا صلح رو قبول کردم. این سوال زیباست ولی بذارید برای بعدا. بعدا بپرسید. حالا نمی‌دونم الان وقتش شده بپرسیم یا نه؟ بعد تحلیل شما چیه از رحلت حضرت امام؟ هیچی، بزرگترین امتحان ولایت این است که ولایت از یک ولی خدا، چه ولایت در سطح ائمه معصومین باشه. چه ولایت در سطح پیغمبر اکرم باشه، منتقل بشه به جانشینش. چه ولایت در سطح ولی فقیه باشه، منتقل بشه به جانشینش. ولایت از یک ولی خدا منتقل بشه به ولی بعدی. این بزرگترین امتحانه. جریان امتحان که صورت میگیره، مردم باید... . ولایت از علی بن ابیطالب منتقل شد به امام حسن یه عده ای ریختن. ولایت از پیامبر اکرم منتقل شد به امیرالمومنین، یه عده ای ریختند. ما ولایت فقیه رو نمی‌گیم تمام و کمال مثل ولایت تکوینی که ائمه هدی دارند، هست. ولی امتحان از اون جنسه. ما می‌تونستیم دعوا کنیم، به هم بریزیم، دینمون رو از دست بدیم. ولی ولایت انتقال پیدا کرد به فقیه بزرگواری مثل حضرت امام. ولایتشون منتقل شد به یکی از شاگردانشون. آب از آب تو مملکت تکون نخورد. شما یادتون هست یا نیست. همه ی رادیوهای بیگانه می‌گفتند که (اون زمان ماهواره نبود) می‌گفتند جنگ قدرتی در ایران شکل بگیرد که نگو. ایمان این مردم چیکار کرد؟ این وضع رو ایجاد کرد. بحثم رو تموم کنم. و بعد میایم جلوتر. مملکت در دوتا ۸ سال و بعد از دوتا ۸ سال، ۵ سال بعد رو پشت سر گذاشت. درسته؟ تو این دوران اتفاق های مختلفی افتاد. من چون شب انقلابه نمی‌خوام بحث رو سیاسی جزئی بکنم. سیاسی کلی بحث می‌کنیم. نتیجه این بیست و چندسالی که بعد از رحلت حضرت امام (ره) الان شما برای انقلاب ما می

بینید چیه؟ اجازه بدید این رو من از زبان بیگانگان بگم. بعد از تثبیت امر ولایت، باید به شما عرض بکنم، ما الان شاهد تحکیم فوق العاده امر ولایت هستیم. من با مدیر مسئول یکی از روزنامه ها که نام ببرم، شما همه می شناسید، صحبت می کردم حدود مثلا ۷-۸-۱۰ سال قبل. می گفت ما روشنفکرتر و زاهدتر از مقام معظم رهبری به عنوان یک روحانی عالم و زاهد نداریم ولی من ولایت فقیه رو قبول ندارم. روزنامه زدند که علیه ولایت فقیه کار کنند. نام ببرم، همه می شناسید. خب، حالا نتیجه اش چی شد؟ نتیجه ی اون همه کوبیدن بر طبل ضد ولایت و لیبرالیزه کردن این انقلاب، تلاشی که کردند برای لیبرالیزه کردن انقلاب این است که موقعیت ولایت و ولی فقیه از روز اول به اذعان همه خبرگزاری ها هزاران برابر شده است و تبدیل شده به یه قدرت دیگه منطقه ای. دیگه الان کاملا مشهود است و مشهور است که مقام معظم رهبری، ولی فقیه منطقه است. از آقای سیستانی مرجع بزرگوار تقلید می پرسند که اگر یه وقت ولی فقیه یه حکمی کرد، حکمش با فتوای مرجع تقلیدمون متفاوت بود، چیکار کنیم؟ ایشون می فرماید که بر مراجع تقلید هم واجب است که حرف ولی فقیه را اطاعت نکنند. چیزی که خوابش رو نمی دید دشمن. در کنار مرز اون ما گروهی داریم که اینها در عرب الان محبوبترین سلحشوران عالم هستند. آقای سید حسن نصرالله رسماً تو عالم اعلام می کنه من عضو حزب ولایت فقیهم و افتخارم این است که پیرو رهبری ایران هستم. همه تو عالم موندن همینجوری. یه کسی از دانشجوهاییی که تو خارج تحصیل می کرد، الان تو ایران، مسئولیتی هم داره. او تعریف می کرد برای من. می گفت ما می دیدیم که ماها هی میگی: امام خمینی، امام خمینی، امام خمینی... اونا هم باید طبیعتاً وقتی که امام خمینی رو اسم می برند مثل ما اسم ببرند ولی همیشه می گفتند آیت الله خمینی، آیت الله خمینی... اینجوری می گفتن. تو یه همایشی شرکت کرده بودیم و یکی از اساتید هم گفتن شما چرا میگی آیت الله خمینی؟ حالا ما که داریم میگی امام خمینی، شما هم مثل ما صدا بزنید. می گفت نه! شما وقتی که میگی امام، دارید یه رهبر بین المللی دینی درست می کنید. دارید یه رهبر فرا مرزی درست می کنید. ما نمی گذاریم شما اینکار رو بکنید. شما وقتی میگی ولی فقیه، این ولی فقیه که مرز نداره. جنگ بشه باید همه ی شیعیان بیایند به فرمانش اطاعت بکنند. اونا میدونن ما داریم چیکار می کنیم. نمیگن که این حرفا رو به ما. اونا میدونن مقلدین شیعه در تمام جهان چقدر برای مقام معظم رهبری هستند و اینا گوش به فرمان اند خیلی بهتر از ما ایرانی ها. جالبه. بچه های فرماندهان حزب الله لبنان دو سه تاشون اومده بودن دانشگاه تهران. من به شما بگم. من این انقلاب رو دارم خلاصه می کنم در محوری ترین مفهوم به نام ولایت. اگر مشکلاتی هم تو این مملکت هست، می دونین که برای چیه؟ فقط به دلیل اینکه نخبگان جامعه درجه ولایت پذیریشون ضعیفه. قوی بشه مشکل باقی نمی مونه تو مملکت. هر کی بخواد برای خودش گربه برقصونه، خب کار مردم رو زمین می مونه. یه تحلیل دیگه هم در مورد ولایت خواهم داشت که عرض خواهم کرد. حالا این خاطره دوستان حزب الله لبنان رو بگم. من دارم انقلاب رو خلاصه می کنم در ولایت. به دلیل ظهور آقا امام زمان و اینکه ما مقدمه سازیم، اون دلیل رو هم عرض خواهم کرد. ولی بذارید این خاطره رو بگم. می

گفتش که بعد از اینکه تو جلسه اینا صحبت کردند، اومدیم، (یکی از دانشجوها به من می گفت) می گفت اومدیم تو همین دفتر مسجد. تو دفتر مسجد نشسته بودم، بهشون گفتیم خب واقعا رمز پیروزی شما چی بود؟ گفتن خب معلومه، ولایت فقیه! می گه ما برگشتیم گفتیم حالا اینجا دیگه جلسه خصوصیه. واقعا می خواهیم بدونیم چه رازی تو خود شماها بود؟ حالا ولایت فقیه رو که قبول داریم، شما خیلی قبول دارین. میگه برگشتن به ما لبخند زدند. گفتند شما ساده گرفتین مفهوم ولایت فقیه رو. فرق شما با ما می دونید چیه؟ آقای شما اشاره می کنه ما چون میدیم به خاطرش، ولی باید ده بار به حرفی رو به شما و مسئولین مملکتتون بزنه، بعد از ده بار آیا گوش بدن، آیا گوش ندن. آقای کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل بوده. اومده به دیدار کرده با مقام معظم رهبری. مصاحبه ای داشته تو فرودگاه. این مصاحبه اش چاپ شده. میگه من فکر می کردم به رهبر معنوی رو میام تو ایران می بینم. رهبر معنوی هم قبلا کم ندیده بودم. همه پاپ ها رو به خدمتشون رسیده بودم. رهبران سیاسی ای که بت من بودند، زیاد بودند مثل هلموت کول و مثلا اون رهبر آزادیبخش آفریقای جنوبی رو نام میبره. میگه ولی اومدم تو این چند دقیقه ای که با رهبر شما صحبت کردم، احساس کردم بزرگترین رهبر سیاسی دنیا رو دارم می بینم که با رهبری معنوی به جا جمع شده. به اعجاب افتادم. عظمت کسانی که پیشم آدمای بزرگی بودند فروریخت. تعجبم اینه که... (این کی بوده؟ ۶ سال پیش یا ۷ سال پیش این مصاحبه انجام شده) تعجبم اینه که شما با داشتن به همچین رهبری ای چرا اینقدر اختلافات بینتون هست. من البته غصه این حرفا رو نمی خورم. بعد از انتخابات دوم خرداد خیلی ها فکر می کردند، خیلی اتفاق ها افتاده. مقام معظم رهبری رفتند اصفهان؛ دیدار. خبرنگار آلمانی گزارشی که داره من نمونه اش رو به شما میگم. نوشته اروپایی ها، چه نشستید که انقلاب ایران سقوط بکنه؟ من اینجا شاهدیم. انگار مسیح بن مریم ظهور کرده، این آقا اومده تو مردم. حدود ۲۰ ساله رسانه های غربی در مورد مقام معظم رهبری یک خبر مثبت و منفی ابلاغ نکردند. چون دیدند در مورد امام خبررسانی کردند، پشیمون شدند. دیدند امام رو مطرح کردند. بایکوت خبری. اصلا هیچی. الان من میرم حج. میرم کشورهای مختلف. آقای احمدی نژاد رو می شناسند. آقای خاتمی رو می شناسند. آقای هاشمی رو... . خیلی ها رو می شناسند. اسم رهبر رو می برم. میگن کیه؟ میگم بابا رهبر ما! میگه من نمیشناسم! میگم ای بابا! ایشون رهبر ماست. نمی دونم. از آدمای انقلابی. از آدمای ضد ایران. از آدمای موافق ایران. از همه جور آدم. میگن نمی شناسیم. اونوقت همین حوادث اخیر وقتی شکل میگیره، اینا مجبور میشن... این فتنه ها. همین فتنه های اخیر. یکی از فواید این فتنه های اخیر این شد که اینا مجبور شدند به جاهایی این بایکوت خبری رو بشکنند. من به شما مژده میدم تا چند وقت آینده شما بیش از گذشته خواهید دید رهبر ما الان همه می دونند رهبر منطقه است. رهبر ایران فقط نیست. معلومه رهبر منطقه است. افغانستان میخواد کاری صورت بگیره باید آقا اجازه بده. پاکستان، کاری صورت بگیره، آقا اجازه بده. عراق؛ آقا باید اجازه بده. می دونند آقا نفوذش تو ترکیه چقدره. می دونند اینا رو. میان بگن که. من هم خیلی از چیزاش رو نمی تونم بگم اصلا، جزئیاتش رو. تو آفریقا و

توی آمریکای لاتین. بذارین توضیح ندیم. یه سری کارا رو باید چراغ خاموش انجام داد. انشاءالله وقتی ظهور محقق شد اونوقت شما متوجه میشید که چجوری ایران میشه مقدمه ساز ظهور حضرت. دست مجروح سید خراسانی چجوری مقدمه رو فراهم می کنه، زمینه رو مهیا می کنه برای ظهور حضرت. اینجور اختلافات داخلی که بعضی ها ایجاد می کنند و مشاجره های مضحک سیاسی، اینا خنده داره در مقابل اون جریان عظیمی که... من به شما بگم تا چند سال آینده، شاید ۵ سال طول نکشه، احدی در عالم هیچکدوم از این فتنه ها رو یادش دیگه نیما. اینقدر با وقایع بزرگ جهان بشریت روبرو خواهد شد که نگو. خب. تا اینجا روند انقلاب ما شد تثبیت بیش تر ولایت. حالا چرا اینقدر شما بر ولایت تاکید می کنید؟ چون ظهور آقا امام زمان (ع) یه معنا بیشتر نداره. اگر گفتند آقا عدالت می آورد. عدالت نتیجه ولایت است. اگر با ظلم مبارزه می کند، به قدرت ولایت است. اگر نعمت می آید، به برکت ولایت است. اگر امنیت هست، به برکت ولایت است. اگه مردم عالم ولایت پذیر نباشند حضرت نه میاد، نه هیچکدوم از اینا رو خواهد آورد. لذا ظهور حضرت و حکومت حضرت اصلی ترین معنای تحقق ولایت ولی الله الاعظم در همه گیتی خواهد بود. اگر معنویت میاد یعنی تحقق ولایت. حکومت و ظهور امام زمان اگر یک معنا بیشتر ندارد و آن حکومت ولایت است و تحقق ولایت روی زمین، مقدمه اش هم باید از جنس خودش باشه. مقدمه برقراری ولایت، برقراری ولایت نایبشه. و اینکه مردم عالم بچشند ولایت یعنی چی. برج دوقلو وقتی که سقوط کرده بود، (خودشون آمریکایی ها زده بودند که بخوان جنگ تو جهان راه بندازن). یکی از غربی ها گفته بود که، تو روزنامه شون نوشته بود؛ آمریکا احساس کرد، پدر نداره. سرپرست نداره. بعد اشاره کرده بود به ایران. گفته بود تو ایران یه کسی بود به نام امام. یه کسی است به نام ولایت. ببین. خلاءش رو حس می کنند، مردم عالم. ما هم صاحب می خوایم! بذارین تو این حاشیه ای که باز کردم، دیگه زیاد بحث نکنم. همه مردم عالم، انسان ها مفضلون به فطرت الهی هستن. ساختارشون الهیه. انسان ها امام میخوان. بچه مادر میخوان. بچه بابا میخوان. خانه میخوان. پناهگاه میخوان. آقا شما همه خانه و پناهگاه می خواهید، مسکن می خواهید. آدم باید شب تو یه خونه ای استراحت بکنه. کَهْفُ الْوَرَى. می فرماید ما پناهگاه مردمیم. ما مادر مردمیم. ما پدر مردمیم. ما برادر دلسوز مردمیم. امام یه امر فطریه. انشاءالله بذار آقامون بیاد و قبل از آقامون، مزه ی داشتن ولایت رو مردم جهان بچشند. من به شما چه مزه ای دادم؟ حالا قرار می ذاریم دیگه. من مرده، شما زنده. تا چند سال آینده مزه ی رهبری ولایتی که ما تو ایران داریم برای نایب امام زمان. (نایب عام. کاغذی هم دستش نیست. نایب عام.) مزه ی داشتن ولایت رو مردم جهان خواهند چشید. آرزو می کنند یه همچین رهبری داشته باشند. پس انقلاب ما تجلی ولایت بود. دوران حضرت امام تثبیت ولایت بود. بعد از آن تحکیم ولایت بود. انقدر این ولایت استحکام پیدا می کند که اگر الان این ولایت در منطقه تثبیت پیدا کرده، در جهان این ولایت اثر خودش رو خواهد گذاشت تا ظهور آقا رخ بده. انقلاب یعنی این. بله که نمیذارن ما راحت باشیم. ما گاز داریم به اندازه ای که یه قطره بنزین تو کشورمون مصرف نکنیم. گاز داریم به قدر

کافی. می‌تونیم همه ی ماشین هامون رو گاز سوز بکنیم. این وسیله ای که میخواد گاز رو پشت ماشین نگه داره، به کشور ما هیچ کشوری صادر نمی‌کنه. یه کمی هم سخته تا این‌ها بتونن آماده بشن، به تولید انبوه برسونن، کارها معطل می‌مونه. از این‌ها بگم تا هرچی که تصورش رو بکنی. اینا چیکار می‌کنند؟ محدود کردند. میزنن. اذیت می‌کنند. نمی‌دونم. پدری دارند از ما درمیارن. خیلی هاش رو تو صدا و سیما نمیگن. برای اینکه روحیه مردم نمی‌دونم شکسته نشه. خب، بدونند مردم ما چقدر دشمن داریم. مردم هرچی بدونن دشمن چقدر داریم بهتره. باید سیاست‌های تبلیغی ما کاملا تغییر پیدا کنه. ماها فکر می‌کنیم که اگه بگیم که نه، همه ی دولت‌ها با ما موافقن، روحیه پیدا می‌کنند مردم. نه، آقا اینجوری نیستند. حالا شما بگرد. یه قطعه هواپیما نمی‌فروشن. ما باید قاچاقی بخریم. هواپیما به ما نمی‌فروشند. از صد تا دست باید بگیریم. از دلال‌ها باید بخریم. زندگی کردن برای ما سخته. این رو نمیگن صریحا به مردم. بابا، مردم ما دولت‌های کشورهای عالم رو آدم حساب نمی‌کنن. بگو اینا با ما دشمنن، دارن چه اذیتی می‌کنند. ما الان اصلا رو پای خودمون موندیم. تا همین مقدار قدرت داریم، والا معجزه است با این دشمنی‌هایی که میشه. من کاستی‌های خودمون رو نمیخوام کنار بگذارم‌ها. نمیخوام بگم ماها نقص نداریم، همش دشمنی. نه، ما هم نقص داریم. هم عیب زیاد داریم تو کارمون. ولی اگر ظهور حضرت یعنی تحقق ولایت و تا اونموقع ما رو آسوده و آروم نمی‌گذارن... بذارید من یه قصه ای رو به شما بگم. همچین تو گلوم می‌مونه، می‌ترسم گلودرد بگیرم. من دو سه روز پیش کربلای معلی مشرف بودم. خیلی هاتون حتما رفتید. درسته؟ حرم امیرالمومنین مشرف شدید حتما. منزل حضرت آیت الله العظمی سیستانی، خدا حفظشون کنه، تکیه گاه مردم عراقند. در ۱۰-۲۰ قدمی حرمه. از علما پرسید. این سوال رو مطرح کنید. امام جماعت حرم مطهر حضرت امیرالمومنین، این امام جماعت یه جایگاه رفیعی بود. هر کسی نمی‌تونست در دوران رونق حوزه، بره امام جماعت حرم بشه. مراجع تعیین می‌کردند، یا خودشون می‌ایستادند. درسته آقا؟ آقایون علما تایید می‌فرمایند؟ خیلی مساله مهمیه. الان ببینید، به خاطر اختلافات بین شیعیان عراق و به خاطر حضور دشمنان که روحانیت و حوزه رو اونجا ضعیف کرده، میری تو حرم امیرالمومنین، نماز جماعت نداره. هر دفعه کاروان‌های ایرانی خودشون یه روحانی میذارن جلو با هم نماز شکسته می‌خونن و میان بیرون. قدر کشورت رو بدون. بعضی‌ها میخوان تضعیف بکنند ولایت رو، میخوان به عراق برسه کار. که دیگه یه دونه مرجع تقلید، زور نداره امام جماعت برای مسجد بغل دستش بگذاره. برای مسجد نه، برای حرم بذاره. میری تو حرم امام حسین می‌بینی دوتا نماز جماعت هست! میدونی دشمن داره چیکار می‌کنه؟ تیکه تیکه می‌کنن اینا مارو. یه ذره تضعیف بشه تا آخر زدن، رفتن. به خدا یه ذره تضعیف ولایت، حرامه. یه ذره اش حرامه! اگر پس فردا دیدی امام زمان (ع) گردن میزنه اونایی رو که یه ذره تضعیف ولایت می‌کردند، ناراحت نشی‌ها. بهت برنخوره‌ها. تعجب نکنی‌ها. عاقل تعجب نمی‌کنه. یه ذره تضعیف کنه کسی ولایت رو، صهیونیست‌ها رو خوشحال کرده. دل میبندن. سازمان سیا میگه با این نمی‌تونیم تماس بگیریم؟ این گاهی غر میزنه به ولایت. بلکه یه

کاری برای ما بکنه. برید روش کار کنید شاید یه نق دیگه هم بزنه. الان به اینجا کشیده کارشون. به من می گفتن بعضی ها تو این شورش ها شعار ضد ولایت می دادند. آقا تو یه چیزی بگو تو یه سخنرانی. گفتم بابا این حرفای خنده داره. ولمون کن. ما الان داریم دنیا رو می گیریم. ولایت آقا منطقه رو گرفته. کی نمی دونه اینو؟ این آقا دیر اومده، زود هم میخواد بره. الان کی نمی دونه آقا ابرقدرت منطقه است؟ کدوم احمقی اینو نمی دونه؟ کی نمی دونه اینو؟ کی نمی دونه که با اشاره ی چشم و ابروی آقا غزه و لبنان این مقاومت رو کردند؟ همه می دونند. کار به اینجا رسید به شما بگم اینا چاره ای ندارن، دشمنان ما چاره ای ندارند جز اینکه... بذارید مقدماتش هم بگم. که پس فردا اینا رو دیدی یه وقت تعجب نکنی. همه رو شنیده باشی، انشاءالله. آمریکا اومد تو منطقه، یهودی های صهیونیست، مسیحی ها رو آوردن، انداختن به جون مسلمونا. جنگ راه انداختن. نگرفت، نشد. جرات هم نمی کنند به ما حمله کنند. تو فکر کن اگه می تونستند به ما حمله کنند، ببرند ها. تو نگاه نکن عراق رو گرفتن. خب، صدام نیروی خودشون بود. طالبان و افغانستان و اینها، طالبان نیروی خودشون بود. جنگ نبود که. رزم شبانه بود. از این جنگلکی ها. چی میگن؟ رزمایش بود. یه مانور بود. آره. جنگ نبود که. حالا برو عقب من اومدم! حالا برو عقب من اومدم! بعد هی اسلحه، بعد مردم بدبخت بیچاره رو می کشتن این وسط. ما که می فهمیم اینا بازیه. اینا جنگ نکردن. اینا جنگجو نیستن. من جنگ بهت نشون میدم. حالا صبر کن. ۸ ماهه وقتی امام زمان (ع) جهان رو گرفت، میگی کو اون سربازها اون همه کت مت پوشیده بودن. این کت و این چیزهایی می پوشن. ضدگلوله می پوشن. کوشن؟ خود اسرائیل شروع کرد جنگ کردن. با لبنان شروع میخواست بکنه. از لبنان بگذره. تو همونجا گیر کرد. گفت بریم همین حداقل غزه رو بگیریم. اونجا هم شکست خورد. حضرت آیت الله العظمی بهجت روز دوم حمله اسرائیل به غزه فرمود اسرائیل دیگه سر بلند نخواهد کرد. الان شما بشین جای سازمان سیا فکر کن. چی به ذهنت میرسه؟ چه خاکی باید به سرشون بریزن استکبار جهانی؟ فکر کن. فکر کن. یه کمی فکر کن. آهان! بله. خبراییه دیگه آخه عزیز من. همینجوری که نیست که. خب بعدش چی میشه؟... این یعنی چی؟ این یعنی همون اتفاق سفیانی. سفیانی یعنی چی؟ یعنی ۶ ماه قبل از ظهور! عملیات حج عربستان انجام میده. ۳ میلیون نفر زائر. غوغایی می کنند. آقا... حج! کربلای ابا عبدالله الحسین. اربعین. ۱۱ میلیون زائر داره که کیلومترها. بیش از ۱۰۰ کیلومتر. حداقل نیمی از این جمعیت، پیاده روی می کنند. توی عرفات با خودت نهار نبرده باشی گرسنه می مونی. ۳ میلیون رو غذا دادن اینا بلد نیستن. این ۱۱ میلیون هر ساعتی اراده بکنن، بهترین غذا بهشون تحویل داده میشه. خبرگزاری های صهیونیستی اخیرا گفتند کشورهای منطقه مواظب اربعین حسین باشند. این قدرت عظیم حسینی ها رو داره می رسونه. اونا فکر می کنید چیکار می کنند؟ خب فکر کن باید چیکار کنن؟ باید حمله کنند به کربلا. راهی دیگه ندارند. دیگه هر چی ادا و شکلک درآوردند، خواستند یکمی ظاهر رو رعایت بکنند. یکمی ظاهر رو رعایت کردند. ما تو کاروان پیاده روی داشتیم می رفتیم. خانم های کاروان رفتند تو یکی از چادرها. اومده بودند، گزارش هایی که می دادند، دیگه داشتن دق می کردن. نمیشه آدم بگه.

ولش کن. از حضور سربازان آمریکایی تو خونه های مردم. فکر نکنید ظاهر رو اینا دارن رعایت می کنند. مردم! ما مسلمونا با سیلی صورت خودمون رو سرخ نگه داشتیم. ظلم زیاده. مردم، ظلم زیاده. مردم، ظلم زیاده. خدا لعنتشون کنه اونایی که تو ایران یه کارایی میخوان بکنند که نتیجه اش میشه عراق و افغانستان. خدا لعنتشون کنه. همین هم تحمل نمی کنند. بدتر از این خواهند کرد. آقا در روایات آخرالزمان داریم که حمله می کنند به عتبات؟ بله! آقا ما نشنیدیم. حالا دیگه بذار جزئیاتش رو دیگه توضیح ندیم. منطقه رو دارن به هم میریزن. بگرد، ببین که... جوون ها من این کدها رو بدم، تحقیق می کنید یا نه؟ بخشی از این حرفا دیگه به درد تلویزیون نمی خوره ها. اینا، تیکه های آخرش، دیگه بذارید کنار. همون تیکه های قبلیش. آقا یه کدهایی بدم برای مطالعه جوون ها یا نه؟ بگم؟ منطقه رو کیا دارن به هم میریزن از ترس انقلاب اسلامی؟ کیا میخوان به هم بریزن؟ همونایی که برمیگردن چی میگن؟ میگن هلال شیعی در منطقه داره قدرت پیدا می کنه، یعنی ولایت فقیه. باید این رو شکست. پس فردا رابطه بین سفیانی ای که قبل از ظهور حضرت قیام می کنه و قتل و جنایت می کنه، رابطه اش رو با کسی که اولین بار از قدرت ولایت فقیه در منطقه به عنوان خطر حرف زد، رابطه اش رو برو پیدا کن. باشه؟ چی بگم؟ ما تو چه شرایط بین المللی ای هستیم، بعد بعضیا ما رو به چه دعوای سیاسی جزئی تو داخل می کشوند. این فرجام انقلاب ماست. یک تحلیل درباره اینکه چرا ولایت اصل انقلابه اینه که ولایت اصل ظهوره، انقلاب ما مقدمه ساز ظهوره.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری بالکنایه چنین فرموده‌اند ولی نه به تصریح. با این همه این را باید یک نکته‌ی ذوقی گرفت و نه یک تطبیق مشخص. موفق باشید